



نشریه خبری

سازمان مجاهدین خلق ایران

شماره ۷

۲۶ دی ماه ۱۳۵۳

تهران - فرار يك انقلابی دیگر از زندان:

در بین زندانیان سیاسی ایران، افراد کمتر از ۱۸ سال فراوان یافت می‌شوند. در تاریخ ۲۹ آبان ماه که قرار بود نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی برای رسیدگی به وضع زندانیان سیاسی از زندان قصر دیدن کنند این جوانان مبارز کم سن را به دارالتأدیب منتقل کردند. از جمله این افراد جوانی بنام سعید متحدین بود که به اتهام فعالیت‌های سیاسی، تهیه و حمل سلاح و همکاری با انقلابیون دستگیر و به ۵ سال زندان محکوم شده بود. هنوز يك هفته از انتقال موقت آنها به دارالتأدیب نگذشته بود که او موفق به فرار شده و تلاش‌های پلیس مزدور و مأمورین ساواک برای دستگیری او تاکنون به نتیجه نرسیده است. در سال‌های اخیر انقلابیونی همانند رضا رضائی، سیروس نهاوندی، اشرف دهقانی، محمدتقی شهرام و حسین عزتی کمره‌ای توانسته‌اند از زندان‌های رژیم بگریزند و فرار اخیر این جوان انقلابی نیز نشانه عزم راسخ انقلابیون به ادامه نبرد با رژیم دیکتاتوری شاه و همچنین ضعف و زبونی مزدوران دشمن می‌باشد.

دزفول - انفجار در پایگاه وحدتی:

پایگاه هوایی وحدتی یکی از مراکز تجمع نیروی هوایی ایران است که سربازان اسرائیلی نیز در همین پایگاه با هواپیماهای مختلف تمرین می‌کنند. اخیراً شنیده شده که انفجار بزرگی در این پایگاه بوقوع پیوسته است.

تهران - تظاهرات دانشجویان به مناسبت بزرگداشت ۱۶ آذر (روز دانشجو):

رژیم برای مقابله با تظاهرات احتمالی دانشجویان در روزهای قبل و بعد از ۱۶ آذر پیش‌بینی‌هایی کرده بود و شایع بود که از دهم تا بیستم آذر بعضی از دانشگاه‌ها تعطیل هستند و برنامه‌های باصلاح بازدید علمی در نقاط دور از مرکز برای دانشجویان ترتیب داده شده است. این عمل بخاطر این انجام می‌گرفت که تعداد دانشجویان در مرکز کم شده و تظاهرات انجام نگیرد.

برای دانشگاه تهران مسافرت‌های علمی در نظر گرفته شده بود و برای آن واحد تعیین کرده و اعلام کرده بود که برنامه بازدید علمی دیگری در آینده درکار نیست و اگر کسی اکنون شرکت نکند در واحد مربوطه مردود خواهد شد. اولین برنامه مسافرت، مربوط به دانشکده علوم بود که قرار بود از تاریخ ۱۰ آذر شروع شود. دانشجویانی که در این برنامه شرکت داشتند، با وسائل سفر به دانشگاه آمده و آماده حرکت بودند که با تظاهرات دانشجویان دانشکده علوم مواجه شدند. دانشجویان با ساک‌های مسافرین، شیشه‌ها را شکسته و برنامه مسافرت را بهم زدند و سپس کلاس‌های دانشکده علوم را تعطیل کردند. بعد از آن به دانشکده پزشکی رفته و کلاس‌های آنجا را هم تعطیل کرده و دستجمعی وارد خیابان می‌شوند و بعد از شعار دادن‌های فراوان متفرق می‌شوند. در اینجا پلیس موفق می‌شود که دو نفر را دستگیر کند و يك نفر را هم که خود را در صف اتوبوس جازده بود، بیرون کشیده و بازداشت نماید. سپس دانشجویان بتدریج به دانشگاه برگشته و از دانشکده فنی تظاهرات خود را شروع کرده و در حالی که شعار می‌دادند دستجمعی از دانشگاه خارج شده و به خیابان تخت‌جمشید می‌روند و بعد از سنگباران کردن سینمای «گلدن‌سیتی» و ساختمان «لژیون خدمتگزاران بشر» متفرق می‌شوند و بار دیگر تكتك به دانشگاه برگشته و تجمع می‌کنند تا تظاهرات را در داخل دانشگاه به‌راه اندازند که مورد حمله مزدوران گارد دانشگاه قرار می‌گیرند. در این جریان سه دانشجو دستگیر می‌شوند.

در روز دوشنبه ۱۱ آذر، مطابق قرار قبلی، دانشجویان دانشگاه تهران در داخل ایستگاه اتوبوس خط ۲۱۶ (در جنوب میدان ۲۴ اسفند و اول خیابان سی‌متری) جمع شده و تظاهرات خود را شروع می‌کنند. آنها سر راه خود به سمت جنوب، ساختمان بانک عمران را سنگباران کرده و تمام شیشه‌های آنرا خرد می‌کنند. مأمورین بانک آژیر خطر بانک را بعداً درمی‌آورند. دانشجویان تظاهرات خود را تا خیابان پاستور ادامه داده و در آنجا متفرق می‌شوند.

در روز سه‌شنبه ۱۲ آذر عده‌ای از دانشجویان مطابق برنامه از پارک‌شهر حرکت کرده و تا میدان فوزیه می‌روند و دسته دیگری در ساعت ۸ صبح در بازار تهران تظاهرات پیاپی می‌کنند که از جزئیات آنها خبری در دست نیست. دانشجویان دانشگاه تهران، در این روز، در سبزه‌میدان قرار تجمع و تظاهرات داشتند. به هنگام شروع تظاهرات در ساعت ۸ صبح سبزه‌میدان توسط گارد شهربانی اشغال شده بود، بنابراین دانشجویان به چهارراه سیروس رفته و تظاهرات خود را از آنجا شروع می‌کنند و به سمت سرچشمه حرکت می‌کنند، و بعد از وارد شدن به خیابان پشت مجلس و سرزدن به مدرسه علمیه، به خیابان ایران رفته و بتدریج متفرق می‌شوند. با وجود کم‌شدن تدریجی تعداد نفرات، عده‌ای تظاهرات را تا میدان ژاله ادامه می‌دهند و در آنجا که گویا فقط ده‌نفر باقی می‌مانند مورد تعقیب یک پلیس موتورسوار قرار می‌گیرند. دانشجویان او را از این پیاده‌رو به آن پیاده‌رو سر می‌دانند و سپس به داخل کوچه‌ها می‌کشانند و با زدن پاره‌آجری به سر او موفق به فرار می‌شوند. یکی از شعارهای آنها که برای مردم بسیار جالب بوده و آنها کنجکاوانه و با تعجب به آن گوش می‌دادند این بود: «مردم همه بدانید... شاه شما جلاد است». شعار دیگر، شعار «خمینی خمینی، خدا نگهدار تو... می‌میرد، می‌میرد، دشمن خونخوار تو» بود.

در ساعت ۱۱ صبح همین روز، یک دسته از دانشجویان دانشگاه تهران مطابق قرار قبلی در مقابل پیسی‌کولا تجمع کرده و شروع به تظاهرات می‌کنند که متأسفانه بلافاصله پلیس سر رسیده و به آنها حمله می‌کند و آنها فقط فرصت این را پیدا می‌کنند که شیشه‌های کارخانه پیسی‌کولا را شکسته و فرار کنند.

در ساعت ۴ بعدازظهر نیز یک‌دسته از دانشجویان دانشگاه تهران در مقابل دخانیات جمع شده و در حالی که شعار می‌دادند وارد دخانیات می‌شوند. کارگران دخانیات به آنها ملحق شده و تظاهرات آنها تا خیابان نواب ادامه پیدا می‌کند. همزمان با این دسته، حدود ۶۰ نفر دیگر از دانشجویان دانشگاه تهران در میدان قزوین تجمع کرده و با شعار «کارگر، دهقان، دانشجو» تظاهرات خود را شروع می‌کنند، آنها پلاکاردی با خود حمل می‌کردند که مضمون آن چنین بود: «دانشجویان پشتیبان مبارزات مسلحانه خلق، تنها راه رهائی توده‌ها از فقر، هستند». دانش‌آموزان به این عده پیوسته و همگی وارد خیابان امیریه شده به سمت شمال پیش می‌روند. آنها در سر راه خود بانک صادرات نبش خیابان ابوسعید و امیریه را سنگباران می‌کنند و کارکنان بانک آژیر خطر را بصدا درمی‌آورند. دانشجویان از چهارراه پهلوی- سپه به سمت میدان حسن‌آباد حرکت کرده و فروشگاه مرکزی ارتش را سنگباران می‌کنند، نگهبانان فروشگاه اقدام به تیراندازی هوایی می‌کنند. دانشجویان در میدان حسن‌آباد متفرق می‌شوند. در این هنگام یک کامیون افراد پلیس که برای سرکوب آنها فرستاده شده بود، پشت رامبدانی که دانشجویان ایجاد کرده بودند گیر می‌کنند. موتورسوارهای پلیس هم وقتی به میدان حسن‌آباد می‌رسند که دانشجویان تازه متفرق شده بودند، با وجود این موفق می‌شوند که یک دانشجوی دانشکده فنی را دستگیر نمایند. شعارهای این عده عبارت بود از: «کارگر، دهقان، دانشجو» «خمینی، خمینی، خدا نگهدار تو... می‌میرد، می‌میرد، دشمن خونخوار تو»، «یاران ما زنداند، زندانبانان جلادند، جلاد ننگت باد»، «دروود بر مجاهد، درود بر فدائی»، «مرگ بر این حکومت پلیسی»، و.....

در روز شنبه ۱۶ آذر، مأموران گارد شهربانی و ساواک در اغلب نقاط شهر برای مقابله با تظاهرات احتمالی مستقر شده و در حال آماده‌باش بسر می‌برند و از اینرو امکان تظاهرات بسیار محدود بود. به‌نگام شب، دانشجویان در خیابان پهلوی شروع به تظاهرات می‌کنند که پس از چند دقیقه پلیس سر می‌رسد و دانشجویان سریعاً متفرق می‌شوند. تا اواخر شب نیروهای دشمن برای جلوگیری از تظاهرات و سرکوب آنها در نقاط مختلف شهر در حال آماده‌باش بودند.

در این روزها از ورود دانشجویان به دانشگاه صنعتی جلوگیری می‌شد و فقط به آن عده از دانشجویان که آسیستان بودند، بعد از یادداشت نام آنها، اجازه ورود داده می‌شد و گارد مزدور دانشجویان را از جلوی دانشگاه متفرق می‌کرد.

از روز ۱۶ تا ۱۹ آذر وضع این دانشگاه غیرعادی بود و عمدتاً کلاس‌ها تشکیل نشدند و افراد شرکت‌کننده در کلاس‌های معدودی که تشکیل شده بود بسیار کم بودند. در روز دوشنبه بعد از یک اعتصاب کوتاه که تا ساعت ۱۱ ادامه داشت، دانشجویان قرار تجمع را برای ساعت ۱۲ در پیسی‌کولا گذاشتند که بعلت کمی افراد و کنترل پلیس، تظاهرات انجام نگرفت. شعارهای اعتصاب‌کنندگان که بیشتر تکرار می‌شد عبارت بود از «دروود بر مجاهد، درود بر فدائی، مرگ بر این رژیم مزدور».

در روز سه‌شنبه ۱۹ آذر، دانشجویان دانشگاه تهران مطابق قرار قبلی در میدان فوزیه اول خیابان مازندران جمع شده با شعار «اتحاد، مبارزه، پیروزی» تظاهرات خود را شروع کرده، بطور آرام وارد میدان می‌شوند. دانش‌آموزان نیز به آنها می‌پیوندند. اتومبیل‌ها متوقف شده و مردم آنها را تماشا می‌کردند. آنها میدان را دورزه و در قسمت شمالی میدان با سنگ به ساختمان بانکی که در آنجا واقع است حمله می‌کنند. هنوز چند سنگی بطرف بانک پرتاب نشده بود که چند پاسبان با اسلحه کشیده به آنها حمله می‌کنند و بعد از چند دقیقه نیروهای پلیس هم سر رسیده و با باتوم به جان مردم افتاده و آنها را متفرق می‌کنند. آنها هر کس را که به نظرشان مشکوک می‌رسید، دستگیر می‌کردند. بالاخره دانشجویان در سر یک زمان معین که از قبل قرار گذاشته بودند سکوت کرده و تظاهرات خاتمه می‌یابد. تظاهرات از ابتدا تا انتها ۵ دقیقه طول کشید که از قبل مشخص شده بود. در این تظاهرات

هرکس با شعار انتخابی خود فریاد می‌کشید و نظم خاصی برقرار نبود. يك نفر با خود بلندگو حمل کرده و پشت آن با شعاری که نظم و آهنگ خاصی نداشت شعار «درد بر مجاهدین خلق ایران» را تکرار می‌کرد.

بدنبال این تظاهرات که دانشجویان و دانش‌آموزان با همگامی در آن شرکت داشتند، ساواک به همه مدارس اخطار کرده است که حضور و غیاب دانش‌آموزان را شدیداً کنترل کنند. نکته جالب توجه دیگر حمایت و همبستگی خلق تحت ستم ماست که از فشار اقتصادی و سیاسی رژیم بجان آمده و با دانشجویان تظاهرکننده هم‌آواز گردید و این باعث وحشت زیاد رژیم گشته است.

تهران - خانه‌گردی منطقه‌ای، توطئه جدید رژیم مزدور:

رژیم شاه خائن برای دسترسی به انقلابیون در عرض این سه‌سال به انواع و اقسام شیوه‌ها متمسک شده است. دستگیری‌های دستجمعی از بین هیئت‌های مذهبی، دانشجویان، محافل روشنفکری، خانواده‌ها و یا تعقیب و مراقبت افراد سرشناس ملی به این امید که انقلابیون با آنها تماس بگیرند، بستن خیابان‌ها در سر ساعات مختلف و بازرسی افراد و وسائط نقلیه، یورش‌های وقت و بی‌وقت به خانه و محل کار افراد مبارز و یا خانواده‌های زندانیان و انقلابیون فراری، بستن جاده‌ها و تفتیش ماشین‌ها، کنترل خیابان‌ها و کوچه‌ها و... از این نوع شیوه‌هاست که در بعضی از آنها به موفقیت‌هایی نیز دست یافته ولی جنبش روزبروز بیشتر اوج گرفته این ضربات پراکنده باعث استحکام استخوان‌بندی آن می‌شود و دشمن بناچار بتدریج آخرین حربه‌هایش را بکار می‌اندازد. آخرین شیوه‌ای که در این زمینه مورد استفاده قرار گرفته، محاصره يك منطقه و تفتیش خانه‌های آن است. انتخاب مناطق مسلماً براساس اطلاعات و گزارشات مختلفی که از سکونت و یا رفت‌وآمد انقلابیون بدست آمده است، صورت می‌گیرد.

در نیمه‌شب ۱۱ آذرماه منطقه بین خیابان‌های ری - مولوی - صاحب‌جمع و انبار گندم که در جنوب تهران و شمال میدان شوش واقع شده است، ابتدا توسط بیش از ۵۰۰ نفر از نیروهای مخصوص ارتش و گارد شهربانی به رهبری مأمورین ضربت کمپنه محاصره شده و حدود ساعت ۲ خانه‌گردی آغاز می‌گردد. مأمورین دشمن از هر طریقی مانند در، پشت‌بام و دیوار به داخل منازل ریخته و وحشت عظیمی در بین خانواده‌های زحمتکش ساکن این ناحیه ایجاد کردند. در اغلب منازل با بازکردن درب صاحبخانه خود را با لوله مسلسل مأمورین دشمن مواجه می‌دید و بلافاصله بیش از ده مزدور به داخل خانه هجوم می‌بردند و ابتدا اتاق‌ها و زیرزمین و پشت‌بام را دقیق جستجو کرده و سپس افراد خانه را مورد بازجویی قرار داده و کارت شناسایی طلب می‌کردند. در اغلب منازل داخل کمد‌ها و صندوق‌ها و دیگر وسائل منزل را جستجو کرده و کتاب‌ها را چک می‌کردند. اگر در اتاقی قفل بود آنرا شکسته داخل می‌شدند. مستاجرین بیش از صاحبخانه موردنظرشان بود و افراد مجرد و یا زن و شوهرهای جوان مورد سوءظن قرار گرفته و با کوچک‌ترین شکی، افراد را دستگیر می‌کردند. هرکس را که به اعمال وحشیانه آنان اعتراض می‌کرد، یا درجا تنبیه کرده و یا بازداشت می‌کردند. برای توجیه این وحشیگری مأمورین می‌گفتند که دنبال دزد و قاچاقچی هستند و در بعضی جاها هم می‌گفتند که دنبال خرابکار آمده‌اند.

چند شب بعد، این خانه‌گردی منطقه‌ای در نقاط دیگری از جنوب تهران همانند حوالی شوش و جنوب سهراب آذرین تکرار شد و همچنان ادامه دارد.

اینک که دشمن به آخرین حربه‌هایش برای از بین بردن انقلابیون متوسل می‌شود، بایستی انقلابیون و مبارزین هشیاری خود را برای مقابله با این توطئه‌ها افزایش داده و تدارکات و پیش‌بینی‌های لازمه را بنمایند، بایستی این توطئه دشمن را برای مردم روشن ساخته و برای به شکست کشاندن آن آنها را راهنمایی کرد، سازمان‌ها و افراد مبارز خارج از کشور بایستی در این زمینه، دست به افشاگری‌های وسیعی زده و افکار عمومی جهان را متوجه توطئه‌های رژیم بنمایند. خلق ما با درس‌هایی که از جریانات می‌گیرد، مصمم‌تر از پیش در راه نابودی رژیم مزدور و در راه حمایت از پیشگامان مسلح خویش قدم برخواهد داشت.

تهران - فرزندان بی‌پناه مردم و توطئه‌های رژیم:

در شماره‌های قبل اخباری راجع به مسمومیت عده کثیری از دانش‌آموزان را در اثر برنامه تغذیه رایگان به اطلاع رساندیم و اخبار جدید حاکیست که در یکی از مدارس شمال تهران حدود ۶۰۰ تن در اثر خوردن ساندویچ که بعنوان تغذیه رایگان به آنها داده شده بود مسموم شدند و چون برای انتقال آنها به بیمارستان و مداوای آنها امکانات کافی نبود، ۴ تن از آنها از بین رفتند.

تهران - مبارزه رژیم با روحانیت مترقی آگاه:

بعد از تعطیل کردن مسجد جاوید که جریان آن را در نشریه‌های خبری قبل به اطلاع رساندیم، ساواک سرپرست مسجد را دستگیر و تبعید کرده است.

روحانی مبارز آقای سیدهادی خامنه‌ای را در اوائل آبان از کمیته به زندان قصر منتقل نموده‌اند. رژیم موسسین حسینی ارشاد را به عناوین مختلف تحت فشار قرار داده است. اخیراً شخصی بنام میناچی را که وکیل دادگستری است و ازگردانندگان حسینی ارشاد بود و بتازگی از خارج بازگشته، دستگیر کرده است.

تهران - جنایات رژیم را نسبت به زندانیان سیاسی افشا کنیم:

بدنبال درگیری‌هایی که بین زندانیان سیاسی و مسئولین زندان‌ها پیش آمده بود، رژیم مزدور شاه، کنترل و خشونت کشنده‌ای را بر زندان‌ها حاکم کرده است با کوچک‌ترین بهانه‌ای زندانیان را وحشیانه کتک زده و شکنجه می‌دهند و آنها را به سلول انفرادی و بند دیوانه‌خانه منتقل می‌کنند. بسیاری از حقوق و آزادی‌های عادی زندانیان زیر پا گذاشته شده است. اخبار زیر گوشه‌ای از سفاکی‌های رژیم را علیه زندانیان سیاسی نشان می‌دهد:

۱- در زندان قصر برای کم کردن نیروی بدنی زندانیان و آزار آنها، غذای آنها را مسموم می‌کنند. از عید فطر تا اواخر آذر بیش از ۷ بار دست به این جنایت زده‌اند. بخاطر این مسمومیت، عوارضی از قبیل کمخونی و ضعف شدید جسمی برای زندانیان ایجاد شده است. بدنبال این دسیسه، خانواده‌های زندانیان در تاریخ ۸ آبان در مقابل اداره دادرسی ارتش که باصلاح مسئول رسیدگی بوضع زندانیان سیاسی است، تجمع کرده و علیه مسئولین زندان دست به تظاهرات زدند. مسئولین دادرسی به درخواست‌های آنان توجهی نکرده و برای اینکه آنها را تنبیه کنند اسامی تظاهرات‌کننده‌ها را می‌خواهند که خانواده‌ها با آگاهی از این قصد آنها، از دادن اسامی امتناع کرده و محل را ترک می‌کنند.

۲- وضع جسمی مجاهد اسیر مصطفی خوشدل در زندان قصر بسیار وخیم است. ناصر کاخساز از گروه فلسطین بخاطر شکنجه‌های فراوان دچار ناراحتی شدید عصبی شده است.

۳- مسعود بطحائی را از زندان قصر برای بازجویی و شکنجه به زندان اوین منتقل کرده‌اند. مجاهد اسیر حسن راهی را نیز از زندان وکیل‌آباد مشهد برای بازجویی به کمیته آورده‌اند.

۴- برای جلوگیری از ارتباط فعال زندانیان با یکدیگر و انتقال آگاهی و تجربه، زندانیان قصر تقسیم‌بندی شده و آنها را در بندهای جداگانه قرار داده‌اند.

۵- رژیم مزدور به شکنجه و آزار زندانیان اکتفا نکرده و خانواده‌های آنان را نیز بانحاء مختلف تحت فشار قرار می‌دهد. مثلاً آنها را زیر فشار اقتصادی و جنگ روانی قرار می‌دهد تا برای دیگران «درس عبرتی» باشد و فرزندان خود را از مبارزه بازدارند. به تازگی همسران زندانیان را نیز زیر فشار گذاشته‌اند تا از شوهران خویش جدا شوند.

عمان - اطلاعیه نظامی شماره ۲۹۴ جبهه خلق برای آزادی عمان:

در ساعت شش صبحگاه روز ۵ دیماه ۱۳۵۳ يك مجموعه ۲۵۰ نفری از نیروهای دشمن انگلیسی و ایرانی و مزدوران قابوس دست‌نشانده از مرکز خویش بطرف خارات واقع در بلندی‌های قیطان در بخش غربی ایالت ظفار عمان شروع به پیشروی نمودند. در این هنگام نیروهای ارتش آزادی‌بخش خلق و نیروهای دفاع ملی (ملیشیا) به دقت نقل و انتقالات دشمن را زیر نظر داشته و دام‌هایی برسر راه او کارگذاری نمودند. زمانی که دشمن به محل کارگذاری دام‌ها رسید، انقلابیون قهرمان ما با آتش سلاح‌های سبک و سنگین و موشک‌های خویش از فاصله‌ای کاملاً نزدیک بر سر دشمن فرود آمدند. درگیری سختی بین نیروهای ما و نیروهای دشمن درگرفت و بدون وقفه برای مدت سه ساعت ادامه یافت. در جریان این درگیری طولانی و سخت رفقای قهرمان ما بر مواضع دشمن هجوم برده و در جنگ‌های تن‌به‌تن با سلاح سرد خسارات فراوانی بر افراد و مهمات دشمن وارد آوردند. انقلابیون ما در این درگیری موفقیت‌آمیز بر چندین جنازه از کشته‌های دشمن دست یافته، مقادیر زیادی اسلحه و مهمات و دستگاه بی‌سیم به غنیمت گرفتند.

خسارات دشمن در این درگیری عبارت بود از:

۱- کشته شدن و مجروح شدن ۲۴ تن از افراد دشمن. در این بین انقلابیون ما بر ۱۵ جنازه از کشته‌های دشمن دست یافتند که در میان این جنازه‌ها، جنازه ۲ افسر انگلیسی که یکی درجه سرگردی و دیگری درجه ستوانی دارد دیده می‌شود. ۱۳ جنازه دیگر، همگی جنازه سربازان ایرانی هستند که در این درگیری کشته شده‌اند.

۲- به غنیمت‌گرفتن تعدادی تفنگ و دستگاه بی‌سیم و مقادیر زیادی مهمات نظامی دیگر بدین شرح:

۱۴ تفنگ اون

۱ مسلسل اون

موشك‌های ساخت آمریکا

۱۰ دستگاه بی‌سیم که ۸ دستگاه آنها کاملاً آماده برای استفاده می‌باشد.

۲۰ هزار گلوله تفنگ اون

مقادیر زیادی مواد غذایی متعلق به نیروهای ایرانی

علاوه بر همه اینها مقادیری مدارك نظامی مهم از نیروهای ایرانی و انگلیسی به چنگ آمده است. همچنین ۴ دوربین و ۴ دستگاه دوربین خمپاره‌انداز و تعداد زیادی نارنجك و تعداد زیادی موشك از نیروهای ایرانی به وسیله انقلابیون ما به غنیمت گرفته شده است.

۳- نابودی يك مسلسل سنگین اون

در جریان این درگیری سخت تنها خسارت رفقای ما این بود که فقط یکی از رفقای ما جراحات خفیفی برداشت. رفقای ما سالم و در حالی که پرچم پیروزی و غنیمت‌های فراوانی که از دشمن ایرانی به چنگ آورده بودند با خود حمل می‌کردند، به پایگاه خویش بازگشتند.

عمان - اطلاعیه نظامی شماره ۲۹۵ جبهه خلق برای آزادی عمان:

در صبحگاه روز ۸ دی‌ماه ۱۳۵۳، هلیکوپترهای ایرانی و انگلیسی مشغول پیاده کردن نیروهای زیادی در بلندی‌های قیطان واقع در شمال رخیوت در منطقه غربی ظفار ایالت جنوبی عمان شدند. تعداد هلیکوپترهایی که برای اولین بار جهت پیاده‌کردن سربازان و مهمات وارد منطقه شدند به ۱۰ فروند بالغ می‌شد. در هنگامی که هلیکوپترهای ایرانی و انگلیسی مشغول پیاده کردن نیرو بودند، نیروهای ارتش آزادی‌بخش و نیروهای دفاع ملی خلق (ملیشیا) خود را برای درگیری با دشمن آماده می‌نمودند. و درست در ساعت ۷/۵ صبح و قبل از اینکه در مواضع خویش جایگزین شوند، انقلابیون «۹ ژوئن» با آتش سلاح‌های سبك و سنگین و موشك‌های خود از فاصله كاملاً نزدیک بر آنها هجوم بردند. درگیری سخت تن‌به‌تنی با سلاح‌های سرد و گرم با دشمن آغاز گشت. در جریان این درگیری انقلابیون قهرمان ما برا مواضع دشمن هجوم بردند، در طی این درگیری که به مدت دو ساعت بدون توقف ادامه داشت، نیروهای ما میدان درگیری را كاملاً تحت کنترل خویش گرفته خسارات فراوانی بر افراد و مهمات دشمن وارد ساختند. این خسارات را می‌توان بدین شرح خلاصه کرد:

۱- کشته‌شدن ۲۶ تن از سربازان دشمن تجاوزگر ایرانی.

۲- به غنیمت‌گرفتن يك خمپاره‌انداز، كاملاً سالم و آماده كار.

۳- نابودی يك دستگاه فرستنده گیرنده دشمن و يك سكوی مسلسل.

در جریان این درگیری موفقیت‌آمیز، ۲ تن از رفقای ما جراحات خفیفی برداشتند و رفقای که در این عملیات شرکت داشتند همگی به پایگاه بازگشتند، در حالی که پرچم پیروزی را بر دوش خویش حمل می‌نمودند.

زنده باد نیروهای ارتش آزادی‌بخش ملی و نیروهای دفاع ملی خلق.

نابود باد نیروهای استعمارگر و تجاوزكار و دارودسته قابوس. پیروزی از آن انقلابیون ماست.

نیروهای ارتش آزادی‌بخش خلق ایالت ظفار

عمان - پیوستن ۷ تن از ارتش قابوس به صفوف انقلابیون عمانی:

در ۲۹ آذر ماه گذشته يك گروه ۷ نفری از نیروهای ارتش قابوس به صفوف انقلابیون و رزمندگان عمانی پیوستند.